

تطبیق اشعار حماسی قیصر امین پور و نصرالله مردانی در ادبیات دفاع مقدس

محدثه حسن زاده

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

چکیده

در این مقاله بر آن هستیم تا محورهای مشترک حماسی در ادبیات و اشعار دفاع مقدس شاعران و سرایندگان دفاع مقدس را با هم تطبیق دهیم. لذا به این منظور اشعار و ادبیات دو شاعر سراینده شعر دفاع مقدس قیصر امین پور و نصرالله مردانی را بررسی می‌کنیم. نتایج تحقیق و بحث و نتیجه‌گیری در ادامه تشریح شده است.

واژه‌های کلیدی: قیصر امین پور، نصرالله مردانی، ادبیات دفاع مقدس

۱- مقدمه

موضوع سخن در این جا امر جلیل و مهمی است که سراسر افراد ملتی در اعصار مختلف در آن دخیل و ذی‌نفع باشند. در شعر حماسی دسته‌ای از اعمال پهلوانی خواه از یک ملت باشند و خواه از یک فرد به‌صورت داستان و یا داستان‌هایی در می‌آید که ترتیب و نظم از همه جای آن آشکار است.

در یک منظومه حماسی، شاعر هیچ‌گاه عواطف شخصی خویش را در اصل داستان وارد نمی‌کند و آن را به پیروی از امیال خویش تغییر نمی‌دهد (صفا، ۱۳۷۴).

در یک منظومه حماسی تنها نباید وصف جنگ و خونریزی باشد. بلکه باید ضمن توصیف پهلوانی‌ها و مردانگی‌های یک ملیت نشان دهنده عقاید و فرهنگ و تمدن آن ملیت هم باشد؛ و این ویژگی مشترک‌بین تمام منظومه‌های حماسی جهان است. برای مثال در شاهنامه تنها از جنگها و نبردهای بین ایران با دشمنانشان سخن نمی‌رود. بلکه از تمام خصوصیات اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی ایرانیان قدیم سخن گفته شده است. مواد اصلی حماسه، داستان‌های ملی و روایات مذهبی و خاطراتی است که از تشکیل و ماندگار شدن یک فرهنگ و تمدن باقی می‌ماند که یادگار اینارگریه‌ایمیت برای به دست آوردن استقلال و حفظ آن و نبرد با مهاجمان است.

هر ملیتی به تنهای تشکیل دهنده و بنیان‌گذار اصلی ادبیات حماسه یک‌شور خویش است؛ و شعرا تنظیم‌کننده این منظومه‌ها هستند. منظومه‌های حماسی پهلوانی و دینی تنها در صورتی به وجود می‌آیند و کمال می‌پذیرند که به روزگار و زمانهای خاصی از حیات ملی یک‌ملیت مربوط باشند. این مربوط به دوره‌های است که مردم با اعتقادات ساده و ابتدائی خود به شیوه‌ای کاملاً نامحسوس مبارزه و نبرد خود را برای تشکیل ملیت خود آغاز کردند. بنابراین اولین دوران حیات هر قومی بهترین دوران برای ظهور و تکامل اینگونه حماسه‌سرایی‌هاست.

از خصوصیات بارز منظومه‌های حماسی بروز ظهور آنها پس از گذشت سالیان دراز از حوادث و رویدادهای پهلوانی است؛ و هیچیک از منظومه‌های حماسی پهلوانی در هنگام جریان حوادث پهلوانی بوجود نمی‌آید چون در هنگام وقوع حادثه پهلوانی انسان، تماشاگر واقعیت‌هایی است که با اعمال عادی بشری تفاوت چندانی ندارد اما چندینسال بعد یا حتی قرن‌ها بعد با بدست آمدن نتایج این از خود گذشتگی‌ها و شجاعتها و رشادتهای پهلوانان از جمله به دست آوردن استقلال ملی، دفع متجاوز و... به دلیل اهمیتی که این موضوع‌ها می‌توانن داشته باشد آن اعمال را بتدریج در چشم نسل‌های آینده بزرگ می‌کند. و پهلوانانی که از آنها در منظومه‌های حماسی‌داستانها قهرمانی یاد می‌شود به تدریج به درجات فوق بشری ارتقاء می‌یابند و اعمال آنان در شمار خوارق عادات در می‌آید.

این داستانها که در ابتدا به صورت مختصر گفته شده و مطابق واقعیت است به تدریج به دلیل روایت راویان و دادن شاخ و برگ‌های به آن به صورت داستان‌هایی مفصل در می‌آید که آرمانهای ملی و مقاصد قومی در آنها بیشتر ظاهر می‌شود. البته شاعر منظومه‌های حماسی احساسات و عواطف شخصی خود یا معاصرانش را در شعرش دخالت نمی‌دهد و داستان را به صورت دقیق و واقعی بیان می‌کند.

از دیگر خصائص منظومه حماسی، ابهام زمان و مکان است. منظومه حماسی در زمان و مکان محدود نیست. یعنی هر چه زمان و مکان در منظومه واضح تر بیان شود، وقایع روشن تر بیان می‌شود و در نتیجه وقایع داستانی و اساطیری به تاریخ نزدیکتر می‌شوند و ارزش حماسی منظومه از بین

قیصر امین پور:

قیصر امین پور در سال ۱۳۳۸ در دزفول به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در گتوند دزفول به پایان برد سپس به تهران آمد و دکترای خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۶ اخذ کرد. وی فعالیت هنری خود را در حوزه اندیشه و هنر اسلامی در سال ۱۳۵۸ آغاز کرد.

سال ۱۳۶۷ سردبیر مجله سروش نوجوان شدو از همین سال تاکنون در دانشگاه الزهرا و دانشگاه تهران به تدریس اشتغال دارد. در سال ۱۳۸۲ نیز به عنوان عضو فرهنگستان ادب و زبان فارسی انتخاب شد.

اولین مجموعه شعرش را با عنوان "تنفس صبح" که بخش عمده آن غزل بود و حدود بیست قطعه شعر آزاد از سوی انتشارات حوزه هنری در سال ۶۳ منتشر کرد و در همین سال دومین مجموعه شعرش "در کوچه آفتاب" را توسط انتشارات حوزه هنری وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به بازار فرستاد.

در سال ۱۳۶۵ "منظومه ظهر روز دهم" توسط انتشارات برگ وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به بازار می‌آید که شاعر در این منظومه ۲۸ صفحه‌ای ظهر عاشورا، غوغای کربلا و تنهایی عشق را به عنوان جوهره سروده بلندش در نظر می‌گیرد. سال ۶۹ برگزیده دو دفتر تنفس صبح و در کوچه آفتاب با عنوان گزیده دو دفتر شعر از سوی انتشارات سروش از وی منتشر می‌شود.

"آینه‌های ناگهان" تحول کیفی و کمی امین‌پور را بازتاب می‌دهد؛ در این مرحله امین‌پور به درک روشن‌تری از شعر و ادبیات می‌رسد. اشعار این دفتر نشان از تفکر و اندیشه‌ای می‌دهد که در ساختاری نو عرضه می‌شود. آینه‌های ناگهان، امین‌پور را به عنوان شاعری تأثیرگذار در طیف هنرمندان پیشرو انقلاب تثبیت می‌کند و از آن سو نیز موجودیت شاعری از نسل جدید به رسمیت شناخته می‌شود.

در اواسط دهه هفتاد دومین دفتر از اشعار امین‌پور با عنوان "آینه‌های ناگهان" منتشر می‌شود که حاوی اشعاری است که بعدها در کتاب‌های درسی به عنوان نمونه‌هایی از شعرهای موفق نسل انقلاب می‌آید.

در همین دوران است که برخی از اشعار وی همراه با موسیقی تبدیل به ترانه‌هایی می‌شود که زمزمه لب‌های پیر و جوان می‌گردد. پس از تثبیت، ناشران معتبر بخش خصوصی علاقه خود را به چاپ اشعار امین‌پور نشان می‌دهند و در اولین گام، انتشارات مروارید گزینه اشعار او را در کنار گزینه اشعار شاملو، فروغ، نیما و... به دست چاپ می‌سپارد که در سال ۷۸ به بازار می‌آید. "گل‌ها همه آفتابگردانند" جدیدترین کتاب امین‌پور نیز در سال ۸۱ از سوی انتشارات مروارید منتشر شد که به چاپ‌های متعدد رسید و با استقبال خوبی روبه‌رو شد.

قیصر امین پور در سال ۱۳۸۲ علی‌رغم تمایلش از سردبیری سروش نوجوان استعفا داد، اما همزمان ضمن عضویت در فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی؛ در دانشگاه تهران و الزهرا تدریس می‌کند و به کارهای پژوهشی مشغول بود.

او در سال ۵۸ از جمله شاعرانی بود که در شکل‌گیری و استمرار فعالیت‌های واحد شعر حوزه هنری تا سال ۶۶ تأثیر گزار بود. وی طی این دوران مسئولیت صفحه شعر هفته‌نامه سروش را بر عهده داشت و اولین مجموعه شعر خود را در سال ۶۳ منتشر کرد. اولین مجموعه او «در کوچه آفتاب» «دفتری از رباعی و دوبیتی بود و به دنبال آن «تنفس صبح» تعدادی از غزلها و شعرهای سپید او را در بر می‌گرفت.

وی در تاریخ ۷ آبان ۱۳۸۶ هجری شمسی درگذشت.

نصر الله مردانی

نصرالله مردانی در سال ۱۳۲۶ در کازرون دیده به جهان گشود. هنوز دوره نوجوانی را پشت سر نگذاشته بود که شعرهای او در نشریات معتبر ادبی به چاپ رسید. اشعار مردانی، از همان آغاز، اشعار معنوی و ایمانی بود و او با وجود اینکه در فضای هنری رژیم منحوس طاغوت، شاعری را آغاز کرد هرگز در آن فضا محو نشد.

نصر الله مردانی با استخدام حس و حالی نو در شعر انقلاب، بنای شعری نو و نوین را در شعر انقلاب پی ریخت. آشنایی مردانی با ادب کلاسیک از مطالعه ی کتاب «ستیغ سخن» او، به خوبی به دست می آید. در این کتاب شعر و شاعران پارسی با زبانی ساده و ایهامی معرفی شده‌اند. شعرهای نصرالله مردانی از حماسه‌ای ذاتی برخوردار است. حماسه ای که معرف عرفانی صریح و روشن است. وی علاوه بر سرایش شعر، در تصحیح متون نیز بسیار خوش درخشیده است. از آن میان می‌توان به نسخه دیوان حافظ او اشاره کرد. وی همچنین سهم بسزایی در پرورش ادبیات شاهد دارد و در این راستا می‌توان به تألیف گرانقدراو «شهیدان شاعر» اشاره کرد.

نصرالله مردانی همراه شاعران پیش کسوت انقلاب بانی گنگره‌های شعر دانشجویی بوده است و همچنین برگزاری گنگره شعر اربعین به همت این شاعر پژوهشگر، معرفی تازه ای از شعر آیینی به دست داد. این شاعر بزرگ سال ۱۳۸۲ در کربلای معلی جان به جان آفرین تسلیم کرد. نصر الله مردانی، یکی از شعرای نامدار معاصر است که توانایی‌های او در دوران پس از پیروزی انقلاب متجلی شد و در واقع با سرودن غزل‌های حماسی و نو باب تازه ای در ادبیات معاصر گشود.

مردانی در «خون نامه ی خاک» که از مشهورترین سرو ده‌های اوست، همه ی ارزشهای جنگ و شهادت را بیان کرده است. لحن حماسی او، شکست ناپذیری مجاهدان در همه ی زمینه‌ها را گوشزد کرده است. او در غزلمذکور شهید را به خیزش وا می‌دارد. «امیر صبح»، «رزم آور شبگیر»، «پگاه جاویدان»، «جوهر هستی»، «رسول راستین»، «روح رستاخیز»، «نسیم خفته» و «بامداد گل» از جمله ی تعبیری است که برای شهید در نظر گرفته است. سروده ی دیگر او با عنوان سمنند صاعقه نیز مضمونی چون خون نامه ی خاک دارد. جنگاوری، بی پروایی، و تعجیل در مبارزه و دفاع از مهمترین مضامین این غزل است.

تلمیح او به اسطوره‌هایی چون منصور و «أنا الحق» گفتن او و داستان حضرت یوسف (ع) برای بیان ارزشهای شهید از نکات قابل توجه در این سرو ده است.

در غزل «شراب هوش» نیز چون سایر سروده‌های مردانی، وی با استفاده از وجه امری و دستوری خواننده را به مبارزه ی بیامان فرا می‌خواند. او نوشیدن شراب هوش از خم هستی را به مخاطب پیشنهاد می‌کند تا به وسعت بینایی قلم قدم بردارد:

صلای روز به بام سپیده دم بزیند گل ستاره به صحرای شب شکوفا شد درفش پاره دل بر مناره ی تاریخ شراب هوش بنوشید از خم هستی به دار شعله، شهیدان عشق خندانند	به دست عشق به دریای خون علم بزیند کنار زرم مهتاب و گل قدم بزیند به کربلای ظفر در غروب غم بزیند قدم به وسعت بینایی قلم بزیند دم از دوباره میلاد سرخ دم بزیند (مردانی، ۱۳۶۴)
---	---

از جمله شخصیت‌های اشعار نصر الله مردانی «هابیل و قابیل» می‌باشند که به عنوان سمبل نیکی و پلیدی رو در روی هم قرار دارند و مردانی در بیشتر اشعارش از این دو یاد کرده است. مردانی در غزل «هابیل آفتاب» «مفاخره و خودستایی رزمندگان و شهدای نبرد تحمیلی را در بیت بیت آن نشان داده است. شاعر از زبان رزمندگان، آنها را جوانمردهای کشور خون و شهادت، تمثیل حماسه و ایثار و وحدت و لشکر عظیم خدا، در روز رزم، و مظهر ایمان و همت و وارث تمام رسولان راستین می‌داند و در جای دیگر آنان را به عنوان عابدان عرش پرصلابتِ خونو خشم بیکرانه ی، طوفان ملیت توصیف کرده است. در قصیده ی «بوی خوبی» شاعر زادگاه خود شهرستان کازرون را با کلمات و واژگانی زیبا توصیف کرده است این قصیده که ظاهراً سروده ای متفاوت با سایر سروده‌های مردانی است، رنگ و بوی تازه اینسبت به اشعار دیگر وی دارد به حدی که تصویر پردازی وی در این قصیده بسیار محسوس، ملموس و دست یافتنی است. شاعر پس از توصیف دیدنی‌های این شهرستان، سری به گلزار شهیدان آن می‌زند و از آنان به عنوان «گلگون جامگان سربدار» یاد می‌کند:

بوی	گندم	بوی	باران	می‌دهی	بوی	عطر	تازه	نان	می‌دهی
بوی	نرگس	زار	دشت	«کازرون»	بوی	دریای	پریشان	می	دهی
بوی	تنگستان		مردان	دلیر	بوی	اسب و	گرد	میدان	می‌دهی
بوی	سوز	سوختن	در	خویشتن	بوی	آتش	سوزی	جان	می
بوی	خون	یوسف	گل	پیرهن	بوی	آه	پیرکنعان		می‌دهی
									(مردانی، ۱۳۷۰)

شاعر در «فرات اشک» «با یادآوری حماسه کربلا و مفاخره‌های شهدا و رزمندگان در عرصه خون و آتش ارتباطی داشته است:

بخوان	حماسه	خونین	کربلا	با	ما	که	شد	بسیط	زمین	جمله	هم	صدا	با	ما
سربیده	به	میدان	عشق	می‌گوید	ما	حدیث	خون	شهیدان	نینوا	با	ما	دوباره	پیکر	صد
دوباره	چاک	لاله	آوردند	ما	ز	کوچه‌های	بهشتی	فرشته‌ها	با	ما	فرا	اشک	ز	چشمان
اگر	جهان	همه	دشمن	شود	ظفر	یابیم	به	عرصه	ای	که	بود	تیغ	مرتضی	با
														(مردانی، ۱۳۶۴)

نصراالله مردانی شاعری است که ابداع ترکیبات زیبا و فضا سازی و ارزش بخشی به پایداری و مقاومت زیربنای شعرش قرار می‌گیرد. سربازی که در طول عمر خود همواره به فرامین پیرخستگی ناپذیر جبهه‌های ستم ستیزی بیعیامام راحل وفادار بوده است و پیامش را به گوش جان درک کرده و از آن هنگام که جلوه‌های طلایی انقلاب درخشیدن گرفته و در پی آن شعله‌های جنگ تحمیلی مشتعل گردیده است. استفاده از واژگانی چون حماسه، هجوم، آوردگاه ظفر و خوان خون را در زبان و ذهن خود پروراند و فرزندان این مرز و بوم را بارها به مقاومت فراخوانده و راه آینده را امیدوار کننده و روشن ترسیم نموده است:

به چشم	پنجره	پاییز	عشق	دلگیر	است	به	دست	و	پای	عزیزان	هنوز	زنجیر	است
بیار	مرهم	نورانی	ای	دلاور	صبح	که	زخم	کهنه	ما	از	هجوم	شمشیر	است
بخوان	ترانه	غم	با	پرنده‌های	غریب	که	دل	زشکلک	پوشالی	جهان	سیر	استطیع	هطلیعه

یقین زمین به محور خود خواب سرمی‌بیند	خون در سپیده تعبیر است (مردانی، ۱۳۶۴)
--------------------------------------	--

توصیف دیرپای ظلم و ستمی که فرزندان این خطه اسلامی با آن رشد کرده و لحظات عمر خود را با مصائب آن سپری نموده‌اند از دیگر مضامین سروده‌های نصرالله مردانی است.

گلوی تشنه گل پاره کرده خنجر باد به هفت‌خوان خطر مانده در اسارت شب ظهور کی کند از آسمانه گل و نور ز سایه‌های گریزان خویش می‌ترسند صدای شیشه رختی دگر نمی‌آید	ببار ابر بهاران که فصل بی باری است دلآوری که به دوشش درفش هشیاری است پیمبری که ز سواس دیوتن عاری است مترسکی که در اندیشه سیه کاری است کجاست رستم دستان که زخم‌ها کاری است (مردانی، ۱۳۶۴)
---	---

در شعر نصرالله مردانییاد و خاطره شهیدان و سنگینی گذشت لحظات بدون یاران فداکار جلوه گر می‌شود، اما آنچه شاعر را روحیه می‌بخشد، اثر خون‌ها و پایداری‌های آنان است:

سرخی خون تو هرگز نشود پاک ز خاک خورشیدی و اسطوره هستی با تو	دلت آینه خورشید حقیقت بین است بی تو بردوش زمان ثانیه‌ها سنگین است (مردانی، ۱۳۶۰)
--	--

مردانی بر این عقیده است که، درست است که وطنم با حضور ستمگران و بیدادگران زیبایی و لطفش را از دست داده است، اما غمی نیست آن را خواهم ساخت و سرانجام کاوه ای ظلم برانداز همه یاران را در وحدت و یکپارچگی رهبری می‌کند:

در بادهای سوزان نیلوفران خاکی ای ابر پر صلابت آبی ز دیده بفشان بی باوران عالم با چشم دل ببینید	چشم انتظار آبد ای روح سبز باران با مرگ لاله طی شد افسانه ی بهاران آینه ی زمان است این پیر در جماران (مردانی، ۱۳۶۴)
--	---

«مردانی «به بهره گیری از اسطوره‌های پهلوانی شاهنامه، مضامین حماسی عاشورا و ترکیب و تلفیق این دو و استفاده از واژگان غزل، در القای فضا و فرهنگ جبهه می‌کوشید و غزلی را رقم زد، که در روزهای حادثه و حماسه نقشی بزرگ در پویایی و ترسیم جریان جنگ و دفاع مقدس داشت، سروده ی مشهور:

از خوان خون گذشتند صبح ظهر سواران	پیغام فتح دارند آن سوی جبهه یاران (مردانی، ۱۳۶۴)
-----------------------------------	---

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. امام علی (علیه السلام) ۱۳۶۸، نهج البلاغه، گرد آوری سید رضی، ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی
۲. آراین پور، یحیی، ۱۳۷۲، از صبا تا نیما، تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، جلد دوم، تهران: زوآ
۳. آیدنلو، سجّاد، ۱۳۸۶، شاهنامه-شرح-نارسیده ترنج، بیست مقاله و نقد درباره ی شاهنامه و ادب حماسی ایران، با مقدمه ی خالقی مطلق، جلال، اصفهان: نقش مانا
۴. _____، _____، ۱۳۸۸، از اسطوره تا حماسه، هفت گفتار در شاهنامه پژوهش، با مقدمه ریاحی، حسین، تهران: سخن

۵. احمدپور، علی، ۱۳۷۴، رمز و رازگرایی در اشعار مهدی اخوان ثالث، مشهد، ترنج
۶. اخوان ثالث، مهدی (م. امید) ۱۳۶۸، ترا ای کهن و بوم و بر دوست دارم، چاپ اول، تهران: مروارید
۷. اسرافیلی، حسین، ۱۳۶۴، تولد در میدان، چاپ اول، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
۸. اسرافیلی، حسین، بیگی حبیب آبادی، پرویز، گلمرادی، شیرینعلی، ۱۳۷۶، مریم ها و شقایق ها، به سفارش بسیج خواهران نیروی مقاومت بسیج، تهران، کنگره نقش زنان در دفاع و امنیت
۹. اسلامی ندوشن، محمد علی، ۱۳۶۳، زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، تهران
۱۰. _____، _____، ۱۳۸۷، زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، تهران: شرکت سهامی انتشار
۱۱. اکبری، منوچهر، ۱۳۷۷، نقد و تحلیل شعر دفاع مقدّس، تهران: سازمان مدارس فرهنگی انقلاب اسلامی
۱۲. اصلانی، محمد رضا، ۱۳۸۵، لاله ی کویر، زندگی نامه ی داستانی سپیده کاشانی، تهران: سوره ی مهر
۱۳. امامی، صابر، ۱۳۸۵، هنر و ادبیات؛ تهیه کننده پژوهشکده تحقیقات اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، قم: زمزم
۱۴. امیر خراسانی، احمد، ۱۳۸۴، نامه ی پایداری، مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری، کرمان: به اهتمام اداره ی کل آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدّس
۱۵. امین پور، قیصر، ۱۳۶۳، تنفس صبح، مجموعه شعرهای عروضی و نیمایی، تهران: حوزه هنرو اندیشه اسلامی
۱۶. _____، _____، ۱۳۶۳، در کوچه ی آفتاب، مجموعه رباعی دوبیتی، چاپ اول، انتشارات حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی

۱۷. _____، _____، ۱۳۸۷، مجموعه کامل اشعار، از شعرهای سال های (۱۳۸۵-۱۳۵۹) تهران: مروارید
۱۸. باقر زاده عجمی، علی، ۱۳۸۷، بر بلندای بی نهایت، جستاری پیرامون شهید و شهادت در نظم و نثر فارسی بعد از انقلاب اسلامی، گناباد: پشنگ

۱۹. بخشوده، حبیب الله، ۱۳۸۴، به رنگ هنوز، تهران: نسیم حیات
۲۰. برومند، فیروزه، ۱۳۸۴، کتابشناسی دفاع مقدّس (۱۳۸۱-۱۳۵۹) جلد اول، انتشارات قربانی
۲۱. بهار، محمدتقی، ۱۳۴۵، فردوسی نامه، به کوشش گلبن، محمد، تهران: نشر سپهر
۲۲. ترابی، ضیاءالدین، ۱۳۸۱، شکوه شقایق، نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدّس، مؤسسه فرهنگی سماء